

نظم و امنیت اجتماعی در دوران آل بویه بر پایه سپاه کارآمد

جمیله میرزاخانی

گروه تاریخ، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران ellahe_haydar@yahoo.com

دکتر حسین خسروی (نویسنده مسؤل)

گروه تاریخ، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران @gmail.comhkhosravi88

دکتر سهراب اسلامی

گروه تاریخ، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران s-eslami@iau-arak.ac.ir

مجله علمی پژوهشی تاریخ-شماره ۵۸- پاییز ۹۹ صفحه ۱۲۵-۱۰۹

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۱۹

چکیده

سپاه در نزد سلاطین آل بویه از آن جهت که خود ویژگی‌های نظامی گری داشتند و به دلیل حفظ متصرفات و جنگ با مدعیان حکومت، دارای اهمیت بسیاری بود. از اینرو شناخت جایگاه، نقش و کارکرد سپاه در عهد بویه امری در جهت بازشناسایی ساختار حکومت و به تبع آن نظم و امنیت جامعه عصر آل بویه محسوب می‌گردد. در این راستا، سؤال محوری پژوهش حاضر این است که استراتژی نظامی سپاه در عهد آل بویه چگونه بوده است و از چه ویژگی‌هایی برخوردار بوده است؟ فرضیه مطرح شده این است که ترکیب و استراتژی نظامی این دوره از بخش‌های ناهمگون تشکیل شده بود: این استراتژی تا زمانی که امرای مقتدری در راس قدرت بودند، منجر به نظم و امنیت کشور می‌شد و با شروع ضعف امرا، موجی از ناامنی نیز کشور را فرا می‌گرفت. در جستار حاضر تلاش بر آن است تا نقش سپاه بر فرایند نظم و امنیت اجتماعی در دوره حکومت آل بویه با روش توصیفی تحلیلی با رویکردی تاریخی و تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای تبیین شود.

واژگان کلیدی: آل بویه، نظم و امنیت اجتماعی، سپاه بویه، استراتژی نظامی، فنون جنگی

هر جامعه و دولتی برای حفظ موجودیت، قدرت و حکومت خود، همچنین برای مقابله با دشمنان خارجی و جنگها و تهدیدات داخلی می‌باید از یک نیروی نظامی نیرومند و ارتش منسجم برخوردار باشد تا بتواند در برابر آنها ایستادگی کند و از خطر نابودی در امان باشد. در تاریخ سیاسی ایران بعد از اسلام، حکومت آل بویه (۳۲۲ تا ۴۴۸ ه.ق) از جمله حکومت‌هایی بود که سپاه و اجزای تشکیلات آن بسیار مورد توجه قرار گرفت. با این حال، بررسی ساختار تشکیلات سپاه و فنون جنگی دولت بویه نشان می‌دهد که آنها وارثان حکومت‌های پیشین خود بودند چونانکه با سقوط ساسانیان به دست مسلمانان الگوی نظامی و سازمان سپاه آن دوره نیز با دگرگونی‌هایی مواجه شد. گرچه سپاه ساخت خود را به گونه‌ای حفظ کرد؛ اما لزوم هماهنگی با نیازهای جدید و عناصر نورسیده، تغییراتی در الگوی نظامی گری، جایگاه، نقش و کارکرد نظامیان به وجود آورد. ظهور حکومت‌های محلی در ایران (قرن سوم به بعد) و کاهش اتکای آنان بر نیروی نظامی عرب توأم با رشد مرکزیت گرایی در حکومت به پیدایش الگوهای سپاه ثابت انجامید. در چنین شرایطی، افزایش سرزمین‌ها و گسترش قلمرو آل بویه و محافظت از سرحدات و جنگ با مدعیان حکومت نیاز به سپاهی قوی داشت و همین امر براهمیت سپاه در نزد آل بویه بیش از پیش می‌افزود. امرای آل بویه ضمن بهره برداری از میراث دولت‌های گذشته برای تشکیلات سپاهی و فنون جنگی، دست به ابداع و نوع آوری‌های جدید زدند. حکومت آل بویه در زمان شکوفایی خود؛ یعنی در عهد رکن الدوله (۳۶۶ - ۳۳۸ ه.ق)، عضدالدوله (۳۷۲ - ۳۳۸ ه.ق) و فخرالدوله (۳۸۷ - ۳۶۶ ه.ق)، توسعه طلب و جنگ جویانه بود؛ لذا با سامانیان و زیاریان در مشرق و با حمدانیان و امارات دیگر عربی در اطراف صحرای سوریه در غرب، درگیر شدند. ثعالی در لطائف المعارف آورده است: عضدالدوله با استفاده از استراتژی‌های جدید در صحنه‌های نبرد، در میان معاصران خود بی‌همتا بود و توانست موفقیت‌های بزرگی به دست آورد که در سایه این پیروها، نظم و امنیت خوبی حاکم شده و کشور مسیر پیشرفت را در پیش گرفت. در این نوشتار پس از بیان پیشینه سازمان سپاهیگری در ایران و ترکیب سپاه در دوره آل بویه، چگونگی نظم و امنیت اجتماعی در دوران آل بویه بر پایه سپاه کارآمد بررسی خواهد شد.

نظم و امنیت اجتماعی در دوران آل بویه بر پایه سپاه کارآمد

پیشینه پژوهش

درباره «آل بویه» کتاب‌ها و تحقیقات زیادی صورت تألیف شده است. از جمله کتاب «تاریخ آل بویه» علی اصغر فقیهی و «دیلمیان در گستره تاریخ» پروین ترکمنی آذر و «آل بویه در عراق» مفیزالله کبیر و کتاب «حامیان فرهنگ» سیف الله نحوی که به بررسی کلی حکومت آل بویه پرداخته‌اند. اگر چه در کتاب‌های فوق و دیگر کتب به اجزایی از سپاه و تشکیلات نظامی دولت بویه پرداخته شده است، ولی تاکنون پژوهش مستقلی در خصوص موضوع مورد بحث صورت نگرفته است و از این جهت موضوعی بدیع و پژوهشی نوآورانه خواهد بود.

پیشینه سازمان سپاه در ایران

در مطالعه زمینه تاریخی سپاه عصر آل بویه، ابتدا می‌بایست به ساختار سپاه در عصر ساسانی توجه نمود. حکومت‌هایی که پس از ورود اسلام در ایران به قدرت می‌رسیدند، بنا به زمینه خود که اغلب از عناصر کوچ نشینی تشکیل می‌شد، نسبت به ساختار حکومت‌های پیچیده ناآشنا بودند. این قدرت‌ها که سابقه تشکیل حکومت‌های متمرکز را نداشتند، مجبور به استفاده از الگویی بودند که پیش از آن‌ها در حکومت ساسانی صورت بندی خود را نشان داده بود. از این رو در مطالعه ساختار سپاه در عهد آل بویه، آشنایی با الگوی سپاهیگری از زمان امپراتوری ساسانی در ایران ضرورت دارد.

ارتش منظم و دائمی ساسانیان به عنوان دومین طبقه جامعه، نمونه‌ای از تلاش برای ایجاد یک ساختار و سپس شکل بندی نهایی حکومت متمرکز محسوب می‌شد. در ارتش ساسانی ابتدا یک «ایران اسپهد» فرمانده کل نظامی سراسر شاهنشاهی گردید؛ اما پس از اصلاحات قباد و انوشیروان ساسانی، قدرت او بین چهار اسپهد تقسیم می‌شد که این امر احتمالاً واکنشی به شرایط موجود سیاسی و نظامی با توجه به شکست‌های نظامی قباد اول، جنگ با امپراتوری بیزانس در غرب، تهاجمات هیاطله از شرق و حمله اعراب از جنوب بود (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۲۷-۱۲۶). سپس مقام دیگری به نام «سپهسالار» یا «فرمانده کل قوا» که بالاترین درجه در ارتش ساسانی بود، به وجود آمد (همان، ۱۳۸۳: ۴۷). این امر می‌توانست نشان از یک تغییر در جایگاه و موقعیت حکومت ساسانی باشد که با توجه به شرایط موجود، در انتقال از یک سطح به سطح دیگر و در جهت تمرکز امور

نظامی از طریق تبدیل چهار اسپهبد به یک سپهسالار به دنبال رویارویی با مخاطرات تازه‌ای - چون هجوم اعراب - بود که در پیش داشتند. در ساختار سیاسی ایران، ارتش از عضویت و حمایت شاهان محلی، شاهزادگان، بزرگان و مالکان برخوردار بود. این گروه‌ها رده‌های بالای نظامی را شکل می‌دادند و از عوامل و نیروهای مؤثر در حفظ قدرت مرکزی محسوب می‌شدند. بنابراین وظیفه ارتش حفاظت از شاهنشاهی، برقراری نظم و امنیت اجتماعی و دوری از ظلم و ستم و پیمان شکنی بود (همان، ۱۴۸).

سپاه در ایران قبل از اسلام و در عهد ساسانی به دو واحد اصلی، سواره نظام و پیادگان، تقسیم می‌شد؛ از نظر عناصر اصلی تشکیل دهنده نظامی، عنصر اصلی ارتش ساسانی را دهقانان شکل می‌دادند که از لحاظ اقتصادی نیز شالوده درآمدهای حکومت، یعنی گردآوری مالیات را نمایندگی می‌کردند (همان، ۱۴۷). این گروه‌ها به عنوان نیروی برگزیده جامعه صاحب موقعیت برتر بودند و از این رو مناصب اصلی نظامی را نیز بر عهده داشتند. احتمالاً موقعیت برتر خود این دهقانان بود که باعث می‌شد نیروی اصلی ارتش را شکل دهند. در کنش متقابل، اسواران نیز در ساخت سیاسی و اجتماعی ایران، صاحب جایگاه و موقعیت مناسبی بودند. در کنار این نیروی نظامی، حکام ایالات یا مرزبانان وجود داشتند که توسط شاهنشاه به ایالات و ولایات فرستاده می‌شدند تا اداره ایالات را بر عهده بگیرند؛ اما چنین به نظر می‌رسد که جنبه لشکری و نظامی این مرزبانان در انتخاب آنان به عنوان حاکم ایالات بیشتر مورد توجه بوده است. این امر نشان از اهمیت نقش این عناصر در نظام روابط سیاسی و اجتماعی داشت (تنکابنی، ۱۳۸۳: ۲۹).

در ساختار نظامی ایران، سواره نظام زره پوش سنگین اسلحه، نخبه سپاه محسوب می‌گردید که پیروزی‌ها و موفقیت‌ها در جنگ‌ها تحت تأثیر این گروه بود (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۴۸). در کنار سواره نظام سنگین اسلحه باید از قشون چریکی سبک اسلحه نام برد که عموماً از طرف ملوک الطوائفی ها جمع آوری می‌گردید (کریستین سن، ۱۳۷۸: ۱۵۱-۱۵۳). عنصر دیگر، فیل سواران بود که عموماً برای حمل اسباب و یا ایجاد ترس در سپاه مقابل مورد استفاده قرار می‌گرفت (همان: ۱۵۳). شترسواران نیز بخش دیگری از سپاه ساسانی را تشکیل می‌دادند که به اذعان کریستن سن در این خصوص اطلاعات خاصی وجود ندارد. سپاه جاویدان نیز که از نخبه‌های جنگجوی دولت ساسانی تشکیل می‌شد، در قلب سپاه قرار می‌گرفت و مأموریت آنها حفاظت از شاه بود (همان، ۱۵۲-۱۵۳). پیاده نظام (پایگان) موخره الجیش سپاه، از روستاییان عادی که خدمت نظام از وظایف آن محسوب می‌گردید، تشکیل می‌شد، ولی در بافت نظامی در سطوح پایین جای می‌گرفت (همو، ۱۵۳). این

نظم و امنیت اجتماعی در دوران آل بویه بر پایه سپاه کارآمد

واحد از سپاه، اگرچه تعداد قابل توجهی را شامل می‌شد اما از لحاظ اهمیت و جایگاه بعد از سواره نظام قرار می‌گرفت. پیاده نظام در ساختار سپاه ایران به سه بخش، پیاده نظام سبک اسلحه، پیاده نظام سنگین اسلحه و تیرانداز تقسیم می‌شد (حکمت، ۱۳۴۳: ۱۰۸۸).

ترکیب سازمان سپاه در دوره آل بویه

دیلمیان به علت موقعیت خاص محلی و منطقه‌ای مردمانی جنگجو، سخت کوش و مبارز بار می‌آمدند و اگر چه در ارتش هخامنشیان، پارتیان و ساسانیان به عنوان داوطلب جنگیده‌اند ولی هرگز تابعیت کامل هیچ یک از قدرت‌ها را نپذیرفته‌اند (مسعودی، ۱۳۶۴: ۴). آنان با بهره‌مندی از آموزش‌ها و مهارت‌های نظامی از قبل از اسلام در تشکیلات نظامی حکومت‌های ایرانی وارد شده بودند. دیلمیان پیش از آنکه در صفحه سیاسی به طور مشخص پدیدار شوند، در خشونت زبانزد اعراب بودند و «اعراب را از آنان هراسی سهمگین در دل بود» (بلاذری، ۱۳۴۶: ۸۵).

ترکیب ابتدایی سپاه در عهد بویه بدین صورت بود که دیلمان در رأس و هرم بودند و سپس کردها بودند که نیروی اصلی را شکل می‌دادند (فرای، ۱۳۸۱: ۲۱۸). با افزایش وسعت و عقاید مذهبی مختلف در قلمرو امرای بویه، عناصر دیگری در ساختار سپاه اضافه گردید (کرمر، ۱۳۷۵: ۵۲-۵۱). ابن اسفندیار سپاهیان آل بویه را در این رویکرد شامل: عناصر، کرد، لر، عرب، دیلم و ترک می‌داند (ابن اسفندیار، ۱۳۸۶: ۵). در این ساختار، دیلمان گرچه وجه برتری را بر دیگر اقوام داشتند ولی به واسطه سابقه زندگی در طبرستان پیاده نظام بودند و سواره نظام ترک پشت سر آنها حرکت می‌کردند. این امری موقتی بود به طوری که این ترکان بودند که در اواخر دوره حکومت بویه‌ای برتری داشتند و حتی لقب «سپهسالار» را که لقبی دیلمی بود، به خود اختصاص داده و گاه افسران عادی نیز به این لقب خوانده می‌شدند (کاهن، ۱۳۸۴: ۱۲۹-۱۱۶).

جنگجویان دیلمان با گذر زمان خواستار امتیازات بیشتری نسبت به دیگر گروه‌ها از امرای بویه‌ای بودند که به همین خاطر هر از چندگاهی دست به شورش می‌زدند. در چنین شرایطی، معزالدوله (ح ۳۲۴-۵۴۶ ه.ق) روز به روز از دیلمیان دورتر و به ترکان نزدیک‌تر می‌شد. امتیازاتی که او به ترکان می‌داد، اعم از مناصب و پاداش‌های مالی بیشتر از کمکی بود که دیلمیان به او کرده بودند (ابن خلدون، ۱۹۴۵: ۷۶۴). بدین ترتیب ترکان مورد لطف بیش از حد معزالدوله قرار گرفتند و درآمد

بصره و واسط بدانان اختصاص یافت. ترکان قدرتمندتر از قبل به معزالدوله نزدیک شدند و به گفته ابن اثیر «ترکان سرزمین را خراب کردند و اموال مردم را غارت نمودند و زیانشان بیشتر از سود آنان بود» (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۸، ۵۱۶).

در کنار عناصر فوق، عرب‌ها نیز در ساختار تشکیلات سپاه آل بویه بودند که عموماً عنصر تنبل و بدون تحرک و کارآیی بودند (ابن مسکویه، ۱۳۶۶: ج ۶، ۱۴۶). در سپاه شرف الدوله (ح ۳۶۲ - ۳۶۸ه.ق) نیز تعداد بسیاری عرب حضور داشتند که آنان در کنار آل بویه فارس فعالیت می‌کردند. عتبی زمانی که از کمک شرف الدوله به ابوالحسین سیمجوری سامانی سخن می‌گوید، می‌نویسد: «ابوالحسین سیمجور فرستاده‌ای به کرمان فرستاد و از امیر ابوالفوارس بن عضدالدوله لشکرخواست و او دو هزار سوار از انجاد عرب مدد فرستاد (جرفادقانی، ۱۳۷۶: ۷۴).

غیر قابل اعتماد بودن دیلمان و پشت کردن به فرماندهان به گونه‌ای بود که ابن مسکویه در این خصوص می‌نویسد: «در سال ۳۵۶ ابوعلی الیاس حاکم کرمان زیر فشار عضدالدوله نزد فرمانروای خراسان پناهنده شد و او الیاس را به اندیشه یورش به کشور دیلمان انداخت با انگاره رشوه خواری سران سپاه دیلمی و خائن بودن آن‌ها، او را امیدوار کرد و حتی وشمگیر زیاری و حسن بن فیروزان نیز اعلام همکاری کردند و قرار شد وشمگیر سردار این همه سپاه باشد و فرمانروای خراسان کمک‌های مالی و نظامی همراه با یک دسته سپاه به سرداری محمد بن ابراهیم بن سیمجور را برای این هیأت متعهد فرستاد که قرار بود همگی زیر نظر وشمگیر باشند. رکن الدوله نیز در مقابل از عضدالدوله و عزالدوله درخواست کمک کرد اما با مرگ وشمگیر همه نقشه‌ها در هم ریختند (ابن مسکویه، ۱۳۶۶: ج ۶، ۲۸۶).

اختلافات بین عنصر ترک و دیلم منجر به این شد که در نهایت امرای بویه، دو فرمانده جداگانه برای سپاه تعیین کنند. از زمانی که دو فرمانده جداگانه برای سپاه بویه تعیین گردید، وظایف جداگانه‌ای نیز برای آنان مشخص شد. بدین معنا که دیلمیان پیاده نظام و ترکان سواره نظام سپاه را تشکیل می‌دادند. به همین روی دیلمیان ترجیح می‌دادند در مناطق محصور از جمله دره‌ها و کوهستان‌ها بچنگند در حالی که ترک‌ها علاقمند بودند صحنه کارزار را به دشت‌ها و مناطق غیر محصور بکشاند تا قدرت تحرک و امکان اسب تازی برای آنان وجود داشته باشند. از نظر قدرت رزمی تفاوت چندانی میان سپاهیان دیلمی و ترک وجود نداشت؛ ولی دیلمیان بسیار ناسازگار بوده و خیلی زود دست به شورش می‌زدند و به همین علت همه سلاطین بویه ترجیح می‌دادند که از روش عضدالدوله پیروی کرده و برای حفظ قلمروهای خود از هر دو نیرو بهره گیرند. بزرگ‌ترین

نظم و امنیت اجتماعی در دوران آل بویه بر پایه سپاه کارآمد

اشتباه آخرین سلطان حکومت بویه‌یان آن بود که عامل نیرومند دیلمی را از عرصه تشکیلات سپاه حذف کردند و قدرت مطلقه سپاه را به ترک‌ها سپرد.

آرایش سپاه در عهد آل بویه

استفاده از فنون جنگی بستگی به تدابیر سیاسی و نظامی سلاطین دیلمی داشت. عزالدوله جانشین معزالدوله در تدابیر نظامی چون تدابیر سیاسی ناتوان بود. او در جنگ با عضدالدوله، آرایش نظامی سپاهش را به اشتباه تنظیم کرده بود. ابن مسکویه می‌نویسد: «سوارگان را پیش از پیادگان نهاد و این اشتباهی بود که هیچ کس نکرده است، شطرنج باز نیز این را می‌داند و همین امر او را با شکست مواجه گردانید، احمد بن بویه در جنگ واسط، در مقابل توزون از روش پیشروی آهسته سود می‌جست جنگی که نوزده روز با کوشش سخت دو طرف ادامه داشت، ولی همه روز نورون پس می‌نشست و دیلمان بصورت خزیدن پیش می‌آمدند، که این عادت ایشان در چنین موقعیت‌ها بود» (همان، تجارب الامم، ج ۵، ۸۱). معزالدوله به روش دیلمیان، چادرهایی را به نشانه پیروزی و ادامه جنگ برپا می‌کرد و روحیه دشمن را تضعیف می‌کرد و دیلمیان را تقویت می‌نمود. امیر بوحسین بویه گله‌ای بزرگ از چارپایان و شتران را به همراه می‌برد. هنگامی که راه می‌پیمود گله را میان خود و دجله روان می‌داشت. چادر نیز به رسم دیلمیان همراه می‌برد که بر پا بودن آن نشانه جنگ و برکنده بودنش نشان گریز بود (همو، ج ۵، ۱۱۰). ابوجعفر بن ورقا که در دوره معزالدوله شاهد فداکاری‌های بسیار صاحب منصبان دیلمی در جنگ موصل بود، می‌گوید: «من شنیده بودم مردانی هستند که یک تنه برابر هزار تن بایستند و باور نمی‌کردم تا آنکه اسپهدوست را دیدم... آنگاه باور کردم» (همو، ج ۶، ۱۲۷).

به هر صورت اهمیت سپاه آل بویه بدین سبب است که نشان دهنده مرحله‌ای انتقالی از تطور نظامی در آن برهه به دلیل اعتماد آنها به هواداران محلی (یعنی سپاهیان امرای دیالمه) آن گونه که در سپاهیان قدیم عربی مشاهده می‌شد و نیز اعتماد اندک آنها بر بردگان اجیر و آشنا به شیوه‌های جدید (یعنی ترکها) بوده است. به هر حال این دوگانگی در سپاهیان اسلام غالباً موجب بروز نامایماتی در میان آنها می‌شد و این مسئله به طور آشکار در دروه سلجوقیان مشاهده می‌شود؛ چه، سلجوقیان در همخوانی میان عنصر قبیله‌ای ترکمانی و سپاه حرفه‌ای که دارای حقوق و مزایا بود،

به ندرت به موفقیت می رسیدند. وجود تنش در روابط دو عنصر مختلف در دوره بویهی را به آسانی می توان ملاحظه کرد. این تنش، در سرنوشت حکومت و به طور خاص، در دوره متاخر که حکم رانی قوی نداشته، بی تأثیر نبوده است (ابن طباطبا: ۱۳۶۰، ۳۴۸).

فنون و روبه‌های جنگی

آل بویه علاوه بر روش و فنون جنگی مرسوم در زمان خود، دارای تاکتیک‌های جنگی خاصی بودند. ایجاد سد دفاعی در مقابل دشمن از روش‌های اصلی و قدیمی آنان در جنگ به حساب می‌آمد. به گفته ابن مسکویه سپاه دیلم در جنگ علی بن بویه با یاقوت به هنگام تصرف فارس شش مرد دیلمی پیاده شدند و سپرهای خود را نزدیک هم گرفته به پیش خزیدند (همو، ج ۵، ۳۹۶).

رکن الدوله گاهی به روش جنگ فرسایشی دست می‌زد. او در جنگ با سامانیان برای محدود کردن میدان جنگ از ری خارج شد و در طبرک جنگید. بدین ترتیب خراسانیان را ترساند. آنان جنگ را رها کرده، مجبور به صلح شدند در این زمان رکن الدوله می‌توانست بر دشمن که نرسیده و روحیه خود را از دست داده بودند، به راحتی چیره گردد و با اینکه اطرافیان او را تشویق به پیشروی می‌کردند، با آنان صلح کرد (همو، ج ۶، ۱۹۷). مطهر، وزیر و سردار جنگ عضدالدوله در جنگ بطیحه، از روش سرداران آل بویه استفاده نمود. او مدتی به بستن دهانه رودخانه اقدام و سعی نمود حاکم بطیحه را در تنگی قرار دهد. ولی با وجود صرف زمان و هزینه بسیار بالا آمدن آب دجله، کار سدها را با خرابی رو به رو ساخت و موفقیتی حاصل نشد. علت دیگر شکست او ناتوانی در جنگ‌های فرسایشی بود. او در همه جنگ‌ها رو در رو فرز جنگیده بود (همو، ج ۶، ۴۸۴). دادن رشوه به فرماندهان سپاه دشمن از دیگر حیل‌های نظامی آل بویه محسوب می‌شد. زمانی که امیر سامانی، سپاهی به سرداری امیر تاش و امیر فائق به کمک فخرالدوله دیلمی و قابوس بن وشمگیر فرستاده بود، «صاحب بن عباد در سپاه مویدالدوله که در جبهه مخالف اتحاد سه گانه فخرالدوله و قابوس و امیر سلیمانی، قرار داشته و به نفع عضدالدوله عمل می‌کرده دانست که با جنگ نمی‌تواند بر چنان نیرویی عظیم پیروز شود. پس در صدد رشوه دادن به فرماندهان سپاه مقابل برآمد و به گفته مؤلف آثار الوزراء صاحب عباد دویست هزار مثقال طلا جهت فائق فرستاد تا روز جنگ هزیمت نموده» (عقبلی، ۱۳۶۴: ۱۹۹-۲۰۰).

نظم و امنیت اجتماعی در دوران آل بویه بر پایه سپاه کارآمد

استفاده از جاسوسان برای آگاهی از وضع دشمن از دیگر روش‌هایی بود که آل بویه به کار می‌بستند. این امر نیاز به تشکیلات و روش‌های خاص داشت. علی عماد الدوله، هنگامی که ری را به قصد کرج ابودلف ترک می‌کرد، در دربار وشمگیر فردی از جانب خود باقی گذاشت. ابوعلی مسکویه می‌نویسد: «پرده دار خود، احمد (طبری) بدر ابواسحاق طیری که اکنون از شاهدان است، در ری به جای خود نزد وشمگیر بنهاد. پس احمد گزارش همیاری مرداویج و وشمگیر را در بدخواهی بویه برای او بنوشت که مرداویج برای همین کار و بسیج سپاه بر ضد او به وی نزد برادر آمده است (ابن مسکویه، ۱۳۶۶: ج ۵، ۳۹۴-۳۹۵). صاحب بن عباد، وزیر مؤید الدوله و فخرالدوله، جاسوسان بسیار در دربار مخالفان و همسایگان داشتند. در جنگ با سامانیان از طریق جاسوسان از کم و کیف سپاه سامانی آگاه گردید: «صاحب از یکی از جاسوسان درباره وضع سپاه پرس و جو نمود و از تعداد پیران لشکر پرسش کرد. جاسوس گفت پیران با تجربه در سپاه حاضر نیستند، ولی تجهیزات جنگی و نیروی آنان بسیار است. صاحب گفت من از پیران رأی زن می‌ترسم و از فیلات زن خوف ندارم (عقبلی، ۱۹۸: ۱۳۶۴-۱۹۹).

رسم دیلمیان در نبرد آن بود که سواره نظام پیشاپیش پیاده نظام به حرکت در می‌آمد. این روش گاه نتایج تلخی به دنبال داشت (ابن مسکویه، ۱۳۶۶: ج ۲، ۳۸۲-۳۸۶). آنان هم چنین در میدان نبرد خیمه‌ای برپا می‌داشتند که نشانه‌ای برای مبارزین دیلمی بود که تا هر زمان برپاست شرایط به نفع نیروهای دیلمی است و هر زمان خیمه فروافتاد نشانه آن است که شکست در سپاه افتاده است. چنان که در نبرد معزالدوله با امیر توزون، معزالدوله شروع به نصب خیمه کرد ولی قبل از آن که نصب شود سپاهیان دیلمی عقب نشینی کردند (همان، ج ۲، ۷۷). دیلمان در نبرد رسم دیگری نیز داشتند که پیش از تسلیم شدن بر شدت نبرد می‌افزود و با خشونت هر چه تمام‌تر دشمن را مورد حمله قرار می‌دادند (روذراوری، ۱۳۳۴: ۳۲۱).

اسلحه

سلاح اصلی در سپاه آل بویه عموماً تیر و کمان، شمشیر و نیزه و گرز بود. وسایل دفاعی آنان در جنگ‌ها سپر و زوبین بود (مجهول المؤلف، ۱۳۵۲: ۷۵). آنان چنان با سپر در مقابل دشمن می‌ایستادند

که گویی دیواری در مقابل دشمن ایجاد کرده‌اند. فخر الدین اسعد گرگانی در اشعارش، به ستایش نیروی نظامی آن‌ها پرداخته و می‌گوید:

سپر دارند پهناور گه جنگ چو دیواری نگاریده به صد رنگ (گرگانی، ۱۳۴۹: ۵۱۴).

مهارت آنان در پرتاب نیزه به همراه پارچه‌های مشتعل معروف بوده و بدین ترتیب دشمن را دچار زیان و خسران و آتش سوزی می‌کردند. در دوره آل بویه در تجهیزات جنگی دیلمیان تحولاتی به وجود آمد. معزالدوله به علت موقعیت خاص جغرافیایی سرزمین‌های فتح شده و اینکه ناگزیر بود برای تصرف و حفظ موصل، بصره و عمان و بطایح و مناطق نزدیک دریا از نیروی دریایی استفاده کند، در جنگ موصل به ساختن تجهیزات جنگی دریایی اقدام کرد: «از جمله به ساختن پنجاه و اندی زبذب پرداخت و روز چهارشنبه سه روز از ذیحجه مانده آن‌ها را به دجله انداخت. جوانان معزالدوله در آن‌ها نشسته با زبذب اسواران ناصر الدوله می‌جنگیدند» (ابن مسکویه، ۱۳۶۶: ج ۶، ۱۲۷). معزالدوله برای لشکرکشی به عمان به ساختن و تجهیزات کشتی‌های جنگی در بصره اقدام کرد. نیروی دریایی او در این جنگ نزدیک به صد کشتی جنگی می‌شد. در جنگ عمان کشتی‌های دشمن که هشتاد و نه کشتی بوده سوزانده شد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۸، ۵۶۸). عضدالدوله از فیلان جنگی نیز سود می‌جست. «از برای آن فیلان گنبد بساخت و در آن وقت آن را فیلخانه عضدی گفتند» (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۵۱).

نیروهای آل بویه برای درهم شکستن حصار قلعه از نوعی ماشین که منجنیق خوانده می‌شد و به وسیله آن‌ها سنگ‌های عظیم را به داخل قلعه می‌افکندند استفاده می‌کردند. در یکی از جنگ‌ها، ابوالوفاء، یکی از فرماندهان عضدالدوله در حالی که از درون قلعه‌ای دفاع می‌کرد، با منجنیق به طرف مهاجمین سنگ پرتاب می‌کرد و مهاجمین نیز با منجنیق آتش به درون قلعه می‌افکندند (ابن مسکویه، ۱۳۶۶: ج ۲، ۳۸۸). در چنین مواردی غالباً محاصره شدگان در وضعیت منفی و نامطلوب قرار می‌گرفتند و قلعه محاصره شده تا زمانی می‌توانست دفاع کند که محاصره شدگان روحیه خود را حفظ کرده باشند، چنان که پیروزی عضدالدوله بر ابوتغلب، در حالی که او در حصار استوار قرار داشت نتیجه وحشت مردم از مهاجمین بود و آشفتنگی که از این وحشت پدید آمد موجب شد که مردم اقدام به گشودن دروازه دژ کنند (همان، ۲، ۳۹۰-۳۸۸).

نظم و امنیت اجتماعی در دوران آل بویه بر پایه سپاه کارآمد

از سوی دیگر پرتاب سنگ‌های آتشین آغشته به نفت، هراسی عظیم در دل طرف متخاصم می‌افکند. در سال ۴۴۶ ه.ق بساسیری با منجنیق به طرف عتبر که شهر حصاردار قریش بن بدران بود، سنگ‌های آتشین آغشته به نفت پرتاب کرد و بسیاری از خانه‌ها به آتش کشیده شد. در نتیجه خشم مردم علیه بدران برانگیخته شد و این مردم محصور بودند که بساسیری را به درون دعوت کردند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۳۱۵).

در میدان‌های متعارف و عادی جنگ از نفت و سنگ‌های آغشته به نفت استفاده می‌شد؛ اما به کارگیری این روش خالی از خطر نبود، زیرا کافی بود که جهت وزش باد تغییر کند تا سپاه خودی را به آتش کشد. همان طور که قبلاً گفته شد در نبردهای دریایی و رودخانه‌ای انواع قایق‌ها به کار گرفته می‌شد و همان قایق‌ها در مصارف عمومی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. از انواع قایق‌های آن دوره می‌توان از طیار، زبب، شذعا حدیدیه، حراقه، سمریه و زورق و دیگر انواع قایق‌ها نام برد (ابن مسکویه، ۱۳۶۶: ج ۲، ۹۲ و ۲۴۳-۲۰۵).

شمار سپاهیان

در مورد تعداد نیروهای سپاهیان بویه‌ایان و قدرت نسبی هر یک از عناصر تشکیل دهنده سپاه و به ویژه قدرت رزمی دیلم‌ها و ترک‌ها ارقام جسته و گریخته‌ای وجود دارد که گاه این ارقام نفی‌کننده دیگری است به همین روی نمی‌توان تصویر واضحی از ساخت سپاه بویه‌ایان در ذهن مجسم کرد. به هر حال نیروهای دیلمی هسته اصلی و مرکزی سپاه بویه‌ایان را تشکیل می‌دادند. زمانی که علی عمادالدوله اصفهان را تصرف نمود، تنها ۳۰۰ نفر دیلمی همراه وی بود و بعدها ۴۰۰ دیلمی دیگر که از سپاه مقابل بریده بودند به او پیوستند. در مورد تعداد نیروهای بویه‌ایان نظرهای کاملاً متناقضی عرضه می‌شود. از جمله در تواریخ مضبوط است که به هنگام تهاجم عمادالدوله به فارس تنها ۸۰۰ نفر او را همراهی می‌کردند و این نشانه آن است که توانایی سردمداران بویه در جذب نیرو اندک بوده است. از سوی دیگر عوفی، هرچند که با فاصله زمانی زیادی درباره بویه‌ایان به تاریخ نویسی می‌پردازد می‌نویسد: به هنگام تهاجم أحمد معزالدوله به عراق بیست هزار مرد جنگی در خدمت وی بودند و در جای دیگری می‌نویسد در شورش که روزبهان علیه معزالدوله به پا کرد، ۹۰۰۰ نفر سپاه معزالدوله را تشکیل می‌دادند که از این تعداد ۵۰۰۰ دیلمی، ۲۰۰۰ عرب، ۹۰۰ ترک و بقیه از درباریان

و غلامان و اطرافیان سلطان بودند و در سپاه روزبهان ۱۵۰۰۰ دیلمی حضور داشت که همگی از سپاه معزالدوله بریده بودند؛ بنابراین نتیجه می‌شود که در آن زمان تعداد نیروهای بویهیان ۲۴۰۰۰ نفر بوده است. عوفی اضافه می‌کند تعداد نیروهای مشترک بختیار و ابوتغلب که در نبرد قصرالجص شرکت داشتند ۲۵۰۰۰ نفر بود که از گروه‌ها و قبایل مختلف تشکیل شده بودند (عوفی، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

متأسفانه از تعداد نیروهای عضدالدوله رقمی در دست نیست، ولی با توجه به تعداد نیروهای که در نبرد با صمصام الدوله در رکاب شرف الدوله بودند، می‌توان قدرت رزمی عضدالدوله را تخمین زد. در آماري که از نیروی شرف الدوله در دست است نشان می‌دهد که تعداد ۱۳۰۰۰ شتر فقط بارها و کالاهای خصوصی شرف الدوله و تعداد بیشتری بارهای سپاهیان را حمل می‌کردند. تعداد اسب‌های این سپاه به حدی بود که ۱۸۰۰ مهتر و خدمه تنها برای اسب‌ها در نظر گرفته شده بود (روذراوری، ۱۳۳۴: ۱۲۸).

پس از آنکه صمصام الدوله تسلیم شد، شرف الدوله به بغداد وارد گردید. در سپاه شرف الدوله ۱۹۰۰۰ دیلمی و ۳۰۰۰ ترک حضور داشت. اما از میان این افراد، تعدادی بودند که پیش از این به حمایت از صمصام الدوله علیه شرف الدوله جنگیده بودند (همو، ۱۳۲).

پیامدهای ضعف سپاه

نابسامانی های داخلی

یکی از عوامل مهم در ضعف سپاه بویهی درگیری های داخلی بوده است. بررسی منابع تاریخی در عهد آل بویه نشان می‌دهد که از مرگ عضدالدوله و با فروپاشی اقتدار نظامی و سپاه دولت بویه، موجی از نابسامانی از نیمه دوم حکومت آل بویه شروع شد (مستوفی، ۱۳۶۴: ۳۷۸). به نظر می‌رسد درگیری های مداوم و عدم ثبات سیاسی، به صورت مستقیم و غیر مستقیم، تاثیر غیر قابل انکاری بر نظم و امنیت اجتماعی شهرهای آل بویه داشته است. لذا می‌توان ناامنی و تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم ناشی از آن را مهم ترین عامل افول شهرهای آل بویه دانست.

در سال ۳۳۴ هـ، میان صفوف لشکر دیالمه معزالدوله شورشی به وجود آمد؛ به طوری که امیر مجبور شد در مقابل شورشیان سیاستی اصلاحی از طریق توزیع املاک میان آنها و ترک‌ها در سواد عراق اتخاذ کند. این املاک جزء تصرفات خلفای عباسی و یا افراد فراری بوده است. پس از آن، معزالدوله

نظم و امنیت اجتماعی در دوران آل بویه بر پایه سپاه کارآمد

ترک‌ها را آشکارا ترجیح می‌داد. هنگامی که خزانه خالی شد، حقوق دیالمه نیز متوقف شد؛ در حالی که هم زمان حقوق ترک‌ها پرداخت می‌شد. مسکویه به این وضعیت اشاره کرده است: «معزالدوله مجبور شد تا با ترک‌ها ارتباط نزدیک داشته باشد و از آنها بر علیه دیلمیان، استمداد بجوید و به دلیل همین هر دو گروه منحرف و نا اهل شدند. ترکها به طمع و ولع و دیلمیان به بیچارگی و خسران افتادند(ابن مسکویه، ۱۳۶۶: ۴۵۹).

رقابت سیاسی امرا

ضعف سیاسی شماری از امرای آل بویه، کم سنی و دیگر عوامل موجب آشفتگی بیش از پیش اوضاع جامعه شد به گونه ای که در چنین شرایطی سران سپاه برای تسلط بیشتر بر امرا با یکدیگر به رقابت می پرداختند که نتیجه آن تولید ناامنی و در نتیجه آشفتگی باجتماعی بیشتر اوضاع می گردید. از سویی دیگر در این شرایط عملا دولت مرکزی توانایی پرداختن به نظم اجتماعی جامعه و ترمیم آسیب ها و خرابی شهرهای را نداشت(کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۸۴). برای مثال در اوایل حکومت ابوکالیجار، بر اثر بروز اختلاف با ابونصر وزیر، قُتلمش به شیراز یورش برد و از رهگذر آن ضربات شدیدی به شیراز وارد گردید. نتیجه این حملات تخریب و آسیب بسیاری از ابنیه و عمارات ادوار قبل در شیراز بود. در جریان این درگیری ها به طور نظم و امنیت از شهر رخت بر بست (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۳۶).

رکود تجارت در شهرها

در سایه وجود سپاه مقتدر، نظم و امنیت در مرزهای قلمرو جغرافیایی حاصل می شود و به واسطه امنیت در مرزها، نظم و امنیت در کل جغرافیای سرزمینی به وجود می آید که رونق اقتصادی و تجارت داخلی و خارجی یکی از مظاهر این شرایط است. در نیمه اول حکومت آل بویه، به ویژه دوره حکومت عضدالدوله، با ایجاد تسهیلات برای تجار و افزایش امنیت مسیرهای تجاری در پی سرکوب راهزنان، تردد کشتی ها و قافله های تجاری افزایش یافت(مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۶۱). در نتیجه بر میزان در آمد حکومت افزوده شد و امکان بیشتری برای رفاه مردم حاصل گردید(کاهن، ۱۳۸۴: ۶۹). در حالی که پس از مرگ عضدالدوله(۳۷۲ق) و در اثر منازعات داخلی و ناامنی ناشی از آن، تجارت نیز از آن متأثر و به تدریج دچار رکود شد. اشتغال امیران و امرای سپاه به دفع مدعیان قدرت

و ضعف روز افزون سپاه سبب گردید توجه جدی به حفظ و نگهداری مسیرهای تجاری نشود و مشکلات اقتصادی بر جامعه حاکم شود. ویژگی خاص این سلسله، یعنی متعدد بودن مراکز قدرت نیز این ضعف را تشدید نموده است (همان، ۷۰ و رضایی، اروجی، ۵۰-۴۹).

از بین رفتن عمران و آبادی

گرچه آبادانیهای بسیاری فرمانروایان آل بویه در قلمرو خود پدید آوردند، خاصه در امور آبیاری و کشاورزی، حاصل نظام اقتصادی روزگار، که نتیجه افزایش درآمدهای آنان قلمداد شده است، ولی پیداست که این اصلاحات و آبادانی با از بین رفتن سپاه کارآمد نیز از رونق افتاد. اصلاحات و کارهای عمرانی امرای بویه در عراق، از جمله تعمیر سد بادوریا بر رودالرفیل، باعث آبادی و فراوانی و ارزانی شد و مردم روی به بغداد نهادند (ابن مسکویه، ۱۳۶۶: ج ۲، ۱۵۶). ولی در سال های پایانی حکومت بویه، بغداد به کانون منازعات فرقه ای تبدیل شده بود و دیگر از خدمات عمرانی و اصلاحی خبری نبود.

نتیجه گیری:

امارت آل بویه در عهد امرایی چون رکن الدوله، عضدالدوله و فخرالدوله، توانست در مواجهه با سامانیان و زیاریان در مشرق و با حمدانیان و امارات دیگر عربی در اطراف صحرای سوریه در غرب موفقیت های چشمگیری را به دست آورد که بدون شک یکی از علل موفقیت های امرای بویه ای در این جنگ ها، برخورداری از امرای مقتدر و استفاده از فنون جنگی و ویژگی ساختار ترکیبی سپاه آل بویه و جایگاه آنها در مقایسه با تطور سپاهیان دارای قومیت های گوناگون بود. امرای آل بویه که میراث دار حکومت های پیشین خود بودند، ابداع و نوع آوری های نظامی را در عرصه های مختلف ادامه دادند؛ در این دوران از انواع منجنیق ها، عراده، قوچ جنگی، آتش یونانی، شمشیرها و سپرهای پیشرفته تری استفاده می شد. همچنین نیروی دریایی رشد زیادی کرد و بر روی نیروی دریایی سرمایه گذاری های زیادی شد و انواع و اقسام کشتی و قایق در نیروی دریایی این دوران وجود داشت. با توجه به اینکه در این دوران فتوح زیادی انجام شد، در نتیجه بیت المال مملو از پول و ثروت بود، آل بویه در دوران امرای خود بخشی از این درآمدها را صرف ارتش خود کردند تا بتوانند در برابر نیروهای داخلی و خارجی بایستند و آنها را شکست دهند تا روز به روز بر قدرت خود بیافزایند. علاوه بر این موارد در این دوره به غیر از نیروهای دیلم از نیروهای کرد، لر و عرب و...

نظم و امنیت اجتماعی در دوران آل بویه بر پایه سپاه کارآمد

نیز بهره بردند و از این طریق پیشرفت هایی حاصل شد. دولت آل بویه در نیمه اول حکومت خود، در سایه برخورداری از امرای مقتدر و سپاه مطیع از حکومت، دوره ای از اعتلا و شکوه را پشت سر گذاشت. در این مقطع از حیات آل بویه، نظم و امنیت در کل قلمرو آنان برقرار بود. در پی مرگ عضدالدوله، با توجه به مشکل همیشگی رقابت جهت رسیدن به جانشینی، دوره ای از شورش، جنگ و در نتیجه ناامنی به وجود آمد که پس از مرگ هر یک از امیران بار دیگر تجدید می شد. وجود مدعیان متعدد، کوتاه بودن دوره حکومت و تداوم درگیری های درونی در بین امرای سپاه در مدتی حدود هفتاد سال، ضمن اینکه عملا امکان توجه به عمران و آبادی شهرها را سلب نمود، به صورت مستقیم به تخریب ابنیه و محلات و به عبارت بهتر دستاوردهای ادوار گذشته انجامید. از سوی دیگر منازعات دامنه دار موجبات آسیب امنیت شهری را فراهم آورد و بی توجهی و ناتوانی در تامین و برقراری امنیت، عملا زندگی شهروندان را با چالش های جدی مواجه ساخت و رکود تجارت و نزول قدرت اقتصادی را به عنوان پدیده ای مهم در اجتماع دوره بویهی موجب شد. در نتیجه نظم و امنیت اجتماعی و حتی فقدان امنیت در دوران آل بویه وابسته به سپاه کارآمد و نیرومند بویه بوده است.

منابع و ماخذ:

ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی، الکامل فی التاریخ، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۱.

ابن اسفندیار، بهالدین محمد بن حسن، تاریخ طبرستان، به تصحیح عباس اقبال و اهتمام محمد رمضان، تهران، انتشارات پدیده، ۱۳۸۶.

ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و ، تونس، ۱۹۴۵

ابن طباطبا، محمد بن علی، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، بنگاه نشر و ترجمه، ۱۳۶۰

ابن مسکویه، ابو علی ، احمد بن محمد، تجارب الامم، به کوشش ابوالقاسم امامی، تهران، ۱۳۶۶

- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه آذر تاش آذرنوش، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
- تنکابنی، حمید، درآمدی بر دیوان سالاری در ایران، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- جرفادقانی، ابوشرف ناصح بن ظفر، ترجمه تاریخ یمنی، به اهتمام جعفر شعار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
- حکمت، علی اصغر، ایران شهر، تهران، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۴۳.
- دریایی، تورج، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۳.
- رضایی، محمد و اروجی، فاطمه، «تأثیر نامنی بر فرایند زوال شیراز در نیمه دوم حکومت آل بویه (۲۲۷-۲۷۳ق)»، پژوهشنامه تاریخ های محلی ایران، سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۳۱.
- روذراوری، ابوشجاع ظهیرالدین، ذیل تجارب الامم، مصر، مطبعة التمدن الصناعیة، ۱۳۳۴.
- زرکوب شیرازی، ابوالعباس، شیرازنامه، به اهتمام اسماعیل واعظ جوادی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
- عقیلی، سیف الدین حاجی بن نظام، آثار الوزراء، تصحیح و تعلیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران، موسسه اطلاعات، ۱۳۶۴.
- عوفی، سدید الدین محمد، جوامع الحکایات و لوامع الروایات، به اهتمام جعفر شعار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- فرای، ریچارد، تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- کاتوزیان، همایون، ایران: جامعه کوتاه مدت و ۳ مقاله دیگر، عبدالله کوثری، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰.
- کرم، جوئل، انسان گرایی در عصر رنسانس اسلامی، ترجمه محمد حنایی کاشانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵.

نظم و امنیت اجتماعی در دوران آل بویه بر پایه سپاه کارآمد

کاهن، کلود، بویهیان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۸۴.

کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، صدای معاصر، ۱۳۷۸.

گرگانی، فخرالدین اسعد، ویس و رامین، تصحیح ماگالی تودوا-الکساندر گواخاریا، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.

مجهول المؤلف، حدود العالم من المشرق الى المغرب، تصحیح و اهتمام جلال الدین تهرانی، تهران، مطبعه مجلس، ۱۳۵۲.

مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴

مسعودی، ابوالحسین علی بن حسن، مروج الذهب، ترجمه قاسم پاینده، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۶۴.

مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی؛ احسن التقاسیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱